

فلسفه روزه از منظر امیرالمؤمنین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین محمدامین صادقی ارزگانی *

اشاره

ماه مبارک رمضان فرصت مناسبی است برای پی بردن به اسرار عالم. در این ماه باید به همان مقدار غذایی که نیروی انسان را تأمین کند، بسنده کرد؛ چراکه هیچ کس با پر خوری به جایی نمی رسد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَا مَلَأَ آدَمِي وَعَاءٌ شَرًّا مِنْ بَطْنٍ»^۱ انسان هیچ ظرفی را به بدی ظرف شکم پر نکرده است». شکم که پر شد، راه فهم مسدود می شود. انسان پر خور هرگز چیز فهم نیست و هرگز به اسرار و باطن عالم پی نخواهد برد.

شکم بارگی موجب بی ارادگی و خمودی می شود؛ درحالی که رعایت اعتدال در خوردن است که سلامتی، طول عمر و نورانیت دل می بخشد. خوردن بیش از حد، هم روح را سرگرم می کند تا غذای زاید، هضم شود و هم بدن را به سوخت و ساز بیشتری وادار می کند و سرانجام انسان را زودتر از موعد از پا درمی آورد. امام صادق علیه السلام می فرماید: گرچه روزه گرفتن سخت و دشوار است، اما لذت شنیدن این ندای خداوند که می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ»^۲، خستگی روزه را از انسان می گیرد: «لَذَّةُ مَا فِي النِّدَاءِ أَزَالَ تَعَبُ الْعِبَادَةِ وَالْعَنَاءِ»^۳؛ با شنیدن این ندا عبادت برای ما سهل و روان می گردد.^۴

برای روزه آثار و برکات بسیاری بیان شده است که در سخنان امیرمؤمنان علیه السلام برخی از موارد آن مشاهده می شود. این نوشتار به تبیین و تحریر این موارد اختصاص یافته است.

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۳۰.

۲. «ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید» (بقره: ۱۸۳).

۳. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۹۰.

۴. ر.ک: عبد الله جوادی آملی، حکمت عبادات، ص ۱۲۷-۱۲۸.

روزه راهکار توسل

در نگاه امیر بیان علیه السلام یکی از اسباب توسل برای تقرب الهی، روزه ماه مبارک رمضان است؛ از این رو در نهج البلاغه از برترین راه‌های توسل و تقرب به درگاه الهی را روزه ماه رمضان می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّ أَفْضَلَ مَا تَوَسَّلَ بِهِ الْمُتَوَسِّلُونَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى... وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ حَصِيَّةٌ مِنَ الْعِقَابِ»^۱؛ برترین وسیله‌ای که متوسلان به خدا به آن توسل می‌جویند، یکی از آنها روزه ماه رمضان است که چونان سپری در برابر عقاب است». در واقع روزه ماه رمضان به مثابه سپر بازدارنده از عذاب یاد شده است.

امیر مؤمنان علیه السلام در این خطبه از صوم به سپر در برابری عذاب و کیفر تعبیر می‌کند: «جُنَّةٌ مِنَ الْعِقَابِ»؛ اما در روایت دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ»^۲ روزه سپری است در برابر هجوم شراره‌های آتش». آتش به ما خیلی نزدیک است؛ از این رو برای مقابله با آن سپری لازم است. اما مهم این است که سپر در میدان جنگ و جهاد اصغر فقط برای محافظت سروصورت کاربرد دارد؛ ولی در اینجا و در میدان جهاد اکبر سپری باید تهیه کرد که تمام اعضا و جوارح ما را حفظ کند.^۳

درمان ماندن از شرارت شیطان

در نگاه امام علیه السلام یکی از حکمت‌های روزه، حفاظت انسان از شر شیطان است؛ از این رو ایشان ضمن بیان نقش برخی عبادات، درباره این اثر و برکت روزه می‌فرماید:

وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَوَاتِ وَمُجَاهَدَةِ الصَّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَمْزُوجَاتِ تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ وَتَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ وَتَذْلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ وَتَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ... وَلُحُوقِ الْبُطُونِ بِالْمُتَوَنِّينَ مِنَ الصَّيَامِ تَذَلُّلاً؛

خداوند بندگان مؤمن خود را از دام‌های شیطان نکه می‌دارد؛ به سبب نمازها و زکات‌ها و مجاهدت‌ها در گرفتن روزه در روزهایی که واجب است تا جسمشان آرامش یابد و در دیدگان‌شان خشوع آشکار شود و در نفس‌هاشان فروتنی پدید آید و آتش شهوت در

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۹.

۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، سلونی قبل ان تفقدونی: تحریر نهج البلاغه، ج ۷، ص ۵۷۳.

۴. سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

دل‌هایشان فروکش کند و کبر و نخوت از آنان دور شود ... و شکم‌ها در روزه‌داری، از روی خضوع به پشت می‌چسبند.

پس چسبیدن شکم‌ها به پشت به هنگام روزه، سبب تواضع است که این کار بینی شیطان را بر خاک می‌مالد و او را از وسوسه مؤمن ناامید می‌کند.

روزه راهکار کسب اخلاص

امیرمؤمنان (علیه السلام) روزه را سبب آزمودن اخلاص آدمی می‌داند و می‌فرماید: «وَالصَّيَامُ ابْتِلَاءٌ لِاخْلَاصِ الْخَلْقِ»^۱ خداوند روزه را برای آزمودن اخلاص مردم قرار داده است». همین اثر برای روزه در کلام فاطمه زهرا (علیها السلام) نیز ذکر شده است؛ ایشان در خطبه فدکیه ضمن بیان فلسفه احکام، درباره فلسفه روزه فرمود: «وَجَعَلَ ... الصَّيَامَ تَثْبِيَةً لِلِاخْلَاصِ»^۲ خداوند روزه را برای تثبیت اخلاص بندگان قرار داده است».

امام علی (علیه السلام) و فاطمه زهرا (علیها السلام) در این دو کلام نورانی، فلسفه روزه را تثبیت اخلاص در قلب و جان و روان انسان دانسته‌اند. درباره تبیین این اثر و فلسفه روزه‌داری جای سخن بسیار است؛ ولی به اختصار باید گفت روزه نمودار بلندترین و زیباترین جلوه دلدادگی و سرسپردگی عاشق به معشوق است که در راه وصال او و تأمین خواست او نه تنها از حرام‌ها، بلکه از حلال‌ها و مباح‌ها نیز امساک می‌کند؛ چون در این کار خواست و رضای محبوبش به کامل‌ترین وجه تأمین می‌شود. فراتر از این، در یک مرتبه بالاتر، تمام قوای اداری خود را در دو ساحت ظاهر و باطن (حواس ظاهری و باطنی) تنها برای رضا و خواست حضرت محبوبش به کار می‌گیرد و از هرگونه ادراک و معرفتی که مورد رضای او نباشد، امساک و خودداری می‌کند؛ بدین بیان که زبانش را از گفتن حرف‌های غیرضروری نگاه می‌دارد. در این باره داستان حضرت مریم بسیار آموزنده است که در قرآن کریم از قول مریم نقل می‌کند: «فَإِذَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا»^۳ و اگر از آدمیان کسی را دیدی که بر تو ایراد می‌گیرد، من پاسخ او را نخواهم داد، تو قصد روزه کن و بگو: من برای خدای رحمان روزه سکوت نذر کرده‌ام؛ از این رو امروز با هیچ انسانی سخن نمی‌گویم.» این گونه صوم سکوت

۱. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۵۸.

۳. مریم: ۲۶.

زمینه‌ساز آن همه کرامت خواهد شد که نصیب مریم گردید. بی‌تردید تجربه صوم سکوت نتایج قطعی بسیاری در پی دارد که تفصیل آن مجال دیگر می‌طلبد.

انسان روزه‌دار چشم خود را نه‌تنها از دیدن مناظر حرام، بلکه از هرگونه مشاهدات غیرضروری حفظ می‌کند؛ گوش خود را نه‌تنها از شنیدن صداهای حرام، بلکه از استماع حرف‌های غیرلازم حفظ می‌کند و تنها در دیدن و شنیدن حقایق الهی متمرکز می‌سازد؛ نیز قوه‌های شامه، ذائقه و لامسه خویش را در مواردی به کار می‌گیرد که بوییدن، چشیدن و لمس کردن آنها ضروری و مفید و حیات‌بخش باشد. همچنین قوای ادراک باطنی خود نظیر مفکره، حافظه، متخیله، واهمه و مانند آن را در مسیر اندیشیدن در حقایق الهی، حفظ معارف و علوم ربّانی و تصور مظاهر جلال و جمال حضرت حق تعالی و شناخت آیات توحیدی قرار می‌دهد؛ از این‌رو از هرگونه فکر و تصور ناصواب پرهیز می‌کند تا از رهگذر این توسل به قرب الهی باریابد. این مرتبه با امساک و خودداری از مشاهده غیرحق تعالی حاصل می‌شود و در این مرتبه است که انسان روزه‌دار هرچه در نظام هستی مشاهده می‌کند، مظاهر و تجلیات و آیات حضرت حق است. جلال‌الدین محمد مولوی مشهور به مولانا در این باره این سخن نغز بسیار گویا و شنیدنی را سروده است:

این دهان بستی دهانی باز شد	کاو خوراندۀ لقمه‌های راز شد
اندکی زین شُرب کم کن بهر خویش	تا که حوض کوثری یابی به پیش
لب فروبند از طعام و از شراب	سوی خوان آسمانی کن شتاب
از طعام الله و قُوتِ خوشگوار	بر چنان دریا چو کشتی شو سوار
باش در روزه شکیبا و مُصر	دم به دم قُوتِ خدا را مُنتظر
کان خدای خوب کار بُردبار	هدیه‌ها را می‌دهد در انتظار ^۱

روزۀ علی علیه السلام و زهرا علیها السلام و نزول آیات قرآن

این داستان در باب برکات و آثار روزه بسیار آموزنده است. حسن بن مهران گوید پس از آنکه علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام سه روز روزه گرفتند و غذای خود را به مسکین و یتیم و اسیر ایثار کردند، پیامبر صلی الله علیه و آله با آگاهی از این رخداد هرچه زودتر به منزل فاطمه علیها السلام روان شد و فرمود:

۱. جلال‌الدین محمد مولوی بلخی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، ص ۷۹۸.

به شما چه گذشت سپس و شروع به گریه کرد و افزود: چگونه از شما غافل شدم؟ در این هنگام جبرئیل (علیه السلام) این آیات را نازل کرد: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا * عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عَبْدُ اللَّهِ يَقْرِظُوهَا تَقْفِيرًا»^۱ به یقین ابرار [و نیکان] از جامی می نوشند که با عطر خوشی آمیخته است؛ از چشمه ای که بندگان خاص خدا از آن می نوشند و از هر جا بخواهند، آن را جاری می سازند». سپس فرمود: این چشمه در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که جوشش آن به خانه پیامبران و مؤمنان می رسد و سپس فرمود: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ»^۲ آنها به نذر خود وفا می کنند» که منظور از اینها علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) و کنیز آنان است.^۳

روزه زکات جسم و جان آدمی

فلسفه دیگر روزه در کلام امیرمؤمنان (علیه السلام)، زکات بدن است که آن حضرت فرمود: «وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْبَدَنِ [الصَّوْمُ] الصَّيَّامُ»^۴ هر چیز را زکاتی است و زکات بدن، روزه است». در تبیین این فلسفه روزه باید گفت کلمه زکات از ترکیه به معنای تطهیر و پاک کردن است؛^۵ از سوی دیگر یکی از تأثیرات رمضان، ترکیه روح انسان است؛ همچنانکه روزه، زکات جسم برشمرده شده است. شاید به همین دلیل روزه را زکات بدن نامیده اند که هم کم کردن در آن وجود دارد و هم سلامت جسم در پی آن می آید. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْبَدَنِ الصَّيَّامُ»^۶ هر چیزی زکاتی دارد و زکات بدن، روزه است». ایشان درباره نقش روزه داری در تأمین سلامتی انسان نیز فرمود: «صُومُوا تَصِحُّوا»^۷ روزه بگیرید تا صحت یابید و سلامت بمانید». روزه نه تنها در بدن، بلکه در روح انسان هم تأثیر ترکیه ای دارد. گرچه این اثر عمیق تر، وابسته به شرایطی است که روزه دار خودش باید آن را ایجاد کند؛ یعنی به گونه ای عمل کند که تنها نخوردن و نیاشامیدن نباشد، بلکه همه قوای ادراکی و تحریکی او روزه باشد.

۱. انسان: ۵-۶.

۲. انسان: ۷.

۳. عبدعلی بن جمعه عروسی حویزی، نورالثقلین، ج ۵، ص ۴۷۷، ح ۲۴.

۴. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۵، (معاد در قرآن، ج ۲)، ص ۳۰۱.

۵. سیدرضی، نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶.

۶. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۳۹۴.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۶۲، باب ما جاء فی فضل الصوم و الصائم، ح ۲.

۸. محمدحسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۸۷۴۴.

دست‌کم به دو علت روزه از حدّ زکاتِ بدن فراتر می‌رود و به تزکیه روح نیز می‌انجامد:
اول: روزه و گرسنگی کشیدن را ارادی و با یت الهی انجام دهد. وقتی انسان آگاهانه و خودخواسته به خواسته‌های نفسی خود «نه» بگوید و در برابر آن ایستادگی کند یا برای برآوردن آن صبر نماید و با رضایت، تلخی ترک دل‌بخواهی‌ها را تحمل کند، به تزکیه روح خود پرداخته است و جان خود را جلا داده است.

دوم: افزون بر صیام بدن، آداب صیام روح نیز رعایت شود. آنچه در ظاهر روزه دیده می‌شود، در باطن انسان هم ادامه پیدا کند؛ یعنی ادامه آداب روزه در صیام روح، مانند سکوت و ترک مجادله و از همه مهم‌تر ترک معصیت.^۱ در این باره کلام نغز مولوی شنیدنی است که می‌گوید:

گر تو این انبان زنان خالی کنی پر ز گوهرهای اجلال کنی
طفل جان از شیر شیطان باز کن بعد از آنش با ملک انباز کن
تا تو تاریک و ملول و تیره‌ای دان که با دیو لعین همشیره‌ای^۲

روزه کلید در بهشت

یکی دیگر از فلسفه‌های روزه‌داری اینکه از رهگذر روزه می‌توان کلید در ورود به بهشت را به دست آورد. رسول گرامی صلی الله علیه و آله به همسرش عایشه فرمود: «داومی قرع باب الجنّة: مرتب در بهشت را بزَن»؛ عرض کرد چطور در بهشت را بزَنم؟ فرمود: «بِالْجُوع»^۳ با گرسنگی. این سخن یعنی اینکه در بهشت را هرگز نمی‌بندند و در بهشت هرگز بسته نیست، بلکه بعد از اینکه بهشتی‌ها رفتند و وارد بهشت شدند، باز هم: «جَنّاتٍ عَدْنٍ مَّفْتَحَةٌ لَهُمُ الْأَبْوَابُ»^۴؛ بنابراین در جهنم در ماه مبارک رمضان بسته است و اگر کسی خواست گناه کند، باید با فشار در جهنم را باز کند و در آتش برود». حضرت فرمود در بهشت را مرتب بکوب؛ عرض کرد با چه؟ فرمود: «با گرسنگی یعنی روزه‌داری». در روایت دیگر نقل شده است که حضرت رسول برای عموم فرمود: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ بَابًا يَدْعَى "الرَّيَّانَ" لَا يَدْخُلُ مِنْهُ إِلَّا الصَّائِمُونَ»^۵ بهشت را دروازه‌ای است به نام "سیراب"

۱. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، بر بال اعتکاف، ص ۲۱۲.

۲. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۷۶.

۳. سید حبیب‌الله خویی، منهاج البراعه، ج ۷، ص ۴۲۳.

۴. «برای آنان بهشت‌هایی است همیشگی که درهای نعمت آن برایشان گشوده است» (ص: ۳۸-۵۰).

۵. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، معانی الأخبار، ص ۹۱، ح ۴۰۹.

که جز روزه‌داران از آن وارد نمی‌شوند».

روزه برترین عبادت

روزه عبادتی است که هیچ‌یک از عبادات با آن مقایسه‌شدنی نیست؛ از این رو در روایتی آمده است: «كُلُّ حَسَنَةٍ بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ إِلَى سَبْعِينَ مِائَةً ضِعْفًا، فَاتَّهَ لِي وَأَنَا أُجِزِي بِهِ».^۱ برخی از بزرگان اهل معرفت در معنای فراز «الْأَصِيَامُ، فَاتَّهَ لِي» اظهار داشته‌اند: «صوم صفت صمدانی است؛ از این رو خداوند با تعبیر "فاتَّهَ لِي" آن را توصیف می‌کند و چون صوم صفت صمدانی است، اگر بنده به آن صفت یعنی تنزیه از غذا توصیف شده، به اعتبار تقیید است؛ زیرا تنزیه از تغذیه و صمدانیت به صورت مطلق وصف خداوند است و به صورت مقید بنده صائم به آن متصف می‌شود؛ بر همین اساس فرمود: «أَنَا أُجِزِي بِهِ»؛^۲ یعنی حق تعالی جزای صوم برای صائم است. جالب اینکه هیچ‌یک از مشرکان بت‌پرست برای بت‌هایشان روزه نمی‌گرفتند؛ گرچه دیگر اعمال و عبادات را به گونه‌ای در برابر بت‌هایشان انجام می‌دادند؛ از این رو روزه تنها عبادتی است که خالص برای معبود حقیقی به جا آورده شده و می‌شود.^۳

روزه حیات جدید انسانی

حیات انسان یک «حیات معقول» است؛ حیاتی که ویژه انسان‌هاست و آنان را به مرحله‌ای از حیات اوج می‌دهد که گاهی فوق حیات و زندگی فرشتگان است. قرآن درباره این حیات می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ»؛^۴ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد. و بدانید خداوند میان انسان و قلب او حایل می‌شود و همه شما [در قیامت] نزد او گردآوری می‌شوید».

یکی از مصادیق بارز این حیات از رهگذر روزه‌داری تأمین می‌شود و روزه این حیات جدید را به انسان می‌بخشد. این حیات جدید، نویدی است که ادیان الهی به‌ویژه اسلام به انسان‌ها داد تا از رهگذر تصورات این واژه‌ها، تصدیقات تازه و عقلانیت جدید فراهم آورد. گوشه‌ای از این

۱. محمد بن شاه مرتضی فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۲، ص ۱۲۱.

۲. ر.ک: محیی الدین ابن عربی، فتوحات مکیه، ج ۹، ص ۱۰۳.

۳. ر.ک: عبدالله جوادی آملی، حکمت عبادات، ص ۱۳۴.

۴. انفال: ۲۴.

حیات را صاحب جواهر در باره روزه بیان کرده است که نشان می‌دهد چگونه اسلام مقام و مرتبه انسان را بالا برده است؛ به گونه‌ای که فرشتگان در خدمت او هستند. ایشان می‌نویسد: «افزون بر آن در حدیث وارد شده: فرشتگان برای شخص روزه‌دار همواره دعا می‌کنند تا وقتی که افطار کند. بوی دهان روزه‌دار، نزد خدا از بوی مشک محبوب‌تر است. کسی که برای خدا در روز گرم روزه بدارد و متحمل تشنگی شود، خداوند هزار فرشته را موکل می‌کند که چهره او را پاک کنند و بهشت برین را به وی نوید دهند. خداوند می‌فرماید: چقدر روح و بوی تو خوش‌بوست. ای فرشتگان من، گواه باشید من او را بخشیدم.

خداوند فرشتگان بی‌شماری را مأمور می‌کند که برای زن و مرد روزه‌دار دعا کنند و فرشتگان را مأمور می‌کند که بال و پر به چهره آنان بکشند و دعاهایشان را مستجاب کنند و گناهان آنان را بریزند. پاداش یک روزه مستحبی بیش از آن است که سطح کره زمین را پر از طلا کنند؛ زیرا روزه‌داری سبب ترک شهوات و موجب صفای عقل و خرد و اندیشه است و روزه‌دار به دقایق حکمت و کمال معارف ربّانی که شریف‌ترین حالات نفسانی انسانی است، دست می‌یازد. پیامبر ﷺ در پاسخ شخص پرسش‌گری فرمود: هیچ مؤمنی روزه نمی‌گیرد جز آنکه خداوند هفت خصلت را بر او واجب می‌کند:

۱. حرام را از جسد او آب می‌گرداند؛
۲. به رحمت خدای عزّوجلّ نزدیک می‌شود؛
۳. موجب کفاره ترک اولای پدرش، آدم ﷺ می‌شود؛
۴. خداوند فشار و مدهوشی‌های آغاز مرگ را بر او آسان می‌کند؛
۵. از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امان است؛
۶. خداوند برگه دوری از آتش را به او عطا خواهد کرد؛
۷. خداوند از نعمت‌های خوب بهشتی او را روزی می‌دهد.^{۲۱}

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، معانی الأخبار، تهران: ارمان طوبی، ۱۳۹۵ ش.

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۶، ص ۱۸۱-۱۸۴.

۲. عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۳ (وحی و نبوت در قرآن)، ص ۱۳۰-۱۳۲.

۲. جوادى آملی، عبدالله، بر بال اعتكاف، محققان: یدالله مقدسى و سیدکمال الدین عمادى، چ ۲، قم: اسراء، ۱۳۹۴ ش.
۳. جوادى آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۳ (وحی و نبوت در قرآن)، محقق: على زمانى قمشه‌ای، چ ۲، قم: اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۴. جوادى آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، ج ۵ (معاد در قرآن، ج ۲)، محقق: على زمانى قمشه‌ای، چ ۴، قم: اسراء، ۱۳۸۷ ش.
۵. جوادى آملی، عبدالله، حکمت عبادات، تنظیم: حسین شفیعی، چ ۲۳، قم: اسراء، ۱۳۹۸ ش.
۶. جوادى آملی، عبدالله، سلونى قبل ان تفقدونى: تحریر نهج البلاغه، تحقیق: محمدامین صادقى ارزگانی، چ ۱، قم: اسراء، ۱۴۰۴ ش.
۷. حویزى، عبدعلى بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی هاشمى، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.
۸. شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، چ ۱، قم: دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
۹. طبرسى، احمد بن على بن ابی طالب، الاحتجاج، تحقیق: سیدمحمدباقر موسوی، چ ۱، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، محمدجواد بلاغی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. عربی، محیی‌الدین، فتوحات مکیه، تحقیق: عثمان یحیی، بیروت: الهيئة المصرية العامة للكتاب، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۰ ق.
۱۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت: منشورات المؤسسة الاعلمی للمطبوعات، [بی‌تا].
۱۳. فیض کاشانی، محسن، محجة البیضاء، تصحیح و تحقیق: على اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۸۳ ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: على اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. مولوی بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، براساس نسخه رینولد نیکلسن، چ ۱،

تهران: [بی‌نا]، ۱۳۷۵ ش.

۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۳۹۲ ش.

۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.

۱۹. هاشمی خویی، سیدحبيب‌الله، منهاج البراءه، تحقیق: ابراهیم میانجی، چ ۴، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ق.